

141
79



در حق را که پیشوا داریم
بتر و کزین همه
مرعیت بیان کند ما
صلواته خدای بر وی باد
امت او دوستند اویم
چون ابو بکر و عمر و عثمان
رحمت حق نثار بارش

پیشوای خود مطلق داریم
مرد و خاتم و یکمین همه
او طریقت عیان کند ما
سار و حجاب پای باد
دوستدار چهار باریم
مترقی دان علیهم الرضوان
باد بر جمله دوستدارش

آغاز کتاب استطا و اعتدال از جاب مصنف

ای مصطلع بیا طهارت کن
چون بیار طهارت ظاهر
آن طهارت که جسم آدم
تن بغسل وضو چو پاک کنی
شرح این بهره نفع را گویم
آنچه طهارت فرضیه و سنت
در بیان نماز و روزه کنیم
سنت نماز باید کرد

خانه دین خود عمارت کن
باطنت نیز حق کند ظاهر
ظاهرت راهمه نسیم آ
آب اگر نیت قصد کنی
زانکه چو کان شرح
برو خوانم روان
تو عشرت پنج روزه
دل مفتام نیاز باید کرد

روز محشر که جانکد از بود
 بس مکن در نمازها تقصیر
 خود شنائی چه بس نکو گفته است
 غم دین خور که غم دین است
 غم دنیا مخور که پیوده است
 من بجز قصور معترفم
 پیش ازین گفته اند اهل سلف
 یک بر قدر خویش کوشیدن
 من بقدر حجاب کوشیدم
 بکنی عیب اگر تو توانی
 است از بسبب تازی اگر چه به تازد
 است و است و است و هفتاد بیت ده باب است
 کتاب تا خود و دل پذیر افتاده است
 آید که از شرف است
 جارا است مولد نبش
 یا اگر بده تو تو نسیم

اول پیشش از نماز بود
 تا در آن روز باشد توفیق
 در معنی نکر که او سفت است
 همه غمهاش در تر از این است
 هیچکس در جهان نیاید
 نه چون نادان احمق و سر غم
 عذر من صنف قد استهدف
 به ز بیگاری خموشیدن
 فقه را برد و نظم پوشیدم
 که در حلقه پوستانی
 لاشه خر خوشتر نیست از
 لایق روز کار اصحاب است
 لاجرم بی نظیر افتاد
 نام او در جهان بهر
 وز خراسان غلام مکتب
 راه نهای سوی

هر که میله ز آب در بود
و در بود آب کمتر از میله
میل در شریع ثلث و سنگ است
ثلث فرسنگ و چهار هزار

این رسم و راطه بود
نیت در نماز و پیش میله
که ترا دانش است از فرسنگ است
از قدمهای مرد خوش قیاس

تبسم در پیش نماز مثل چهار فصل فصل اول در پیش از نیتها نماز

که او طالب لطیفه بود
و در اسلام صوفی و صافی
شنو از من بیان ندهد
مبطل کن این پیش از نیت
تا نماز تو انوار گردد
نیت است طهارت تکبیر
غم اسلام باید خوردن
شش دیگر در اندرون نماز
انچه بیرون کنون ترا وقت است
اولین بوم قرائت است رکوع

مقدمت اش با حسنیه بود
در نیت و فی و بسم و
صافی تر است مشرب او
رون نماز و شش بر
فرس و نقلت سجد او
پوشش عود
روی هم سوی قبله آوردن
گیر و ناز کن و نیت
نیت نماز

یادگیرش اگر
نیز بر جای سجده واجب بود

فصل دوم در بیان وجبات نماز

واجبات نمازها هفت است
 فاتحه صنم سوره قرآن
 لیک اندر تطوع سنت
 کافریش چو اولین باشد
 در بلند می بلند باید خواند
 قعدۀ اول از وجوبات است
 نیز در ورثه قنوت عیان
 لیک دعوی واجب آید

زانکه از مصطفی چنین است
 در دولی اول از فرضیه بخوان
 سوره با فاتحه بکن ضمت
 سوره با فاتحه قرین باشد
 آنچه پست است پست باینجا
 باز در آخرین سجرات است
 باز تعدیل جمله ارکان
 زانکه تکبیر عمده است

فصل سوم در بیان سجده سهو

سجده سهو با تلاوت هم
 دانند آنکس که هستی دارد
 سجده سهو را بیان کردند
 یا اگر چه در سجده سهو
 یا اگر چه در سجده سهو
 یا اگر چه در سجده سهو

واجب آید با اتفاق هم
 و اندرین راه نسبتی دارد
 و آنچه مشکل بود عین کردن
 یا کند ترک واجب آن تقصیر
 جبر نقصان آن نماز کند
 را از کوفی و آنکه بیار سجده هم